

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## تروریزم فراملتی و اثربخشی فکتور دیموگرافیک در کشور ما

### نحوه شکل‌گیری تروریزم در افغانستان

#### تهدیدها از کجا ناشی می‌گردد؟

جابجایی قوت‌های نظامی خارجی و هسته‌گذاری بنیادگرایی  
تشدید حملات مخالفان مسلح بر مراکز دولتی و تأسیسات ملکی  
زمینه‌ها و عوامل نضج‌یابی تروریزم  
تحركات مخالفان مسلح

تروریزم یا رژیم وحشت، پدیده جدید و تازه‌ای نیست. در طول تاریخ وجود داشته است. عملیات تروریستی در ابتدا بصورت ترور شخصیت‌های مهم، هواپیماربایی و آدم‌ربایی بود، اما با پیشرفت تکنولوژی و امکان نظارت و کنترل مواد منفجره از راه دور، عملیات تروریستی به لحاظ شکلی و مفهومی دچار تغییر و تحول گردید. در دهه‌های پسین، تروریست‌ها به سمت استفاده و بکارگیری سلاح‌های میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای رو آورده و همین امر موجب انجام ترور و عملیات تروریستی در سطح گسترده شده که مرگ هزاران غیرنظامی را موجب گردید و این امر در حالیست که امکان انجام عملیات آنها غیرقابل پیشبینی و نامشخص می‌باشد.

قبل از طرح مسایل و موضوعات مطرح بحث بمفهوم یک گل، باید اضافه نمود که در جهان کنونی ما بیش از هر زمان دیگری، اقدامات و فعالیت‌هایی از جانب دولت‌ها و حکومت‌های مربوطه و بویژه در محدوده کشورهای آسیای میانه غرض مقابله با تروریزم و بنیادگرایی مذهبی که دو روی یک سکه پنداشته می‌شوند، در شرف تکوین می‌باشد. اقدامات و تحركات مورد نظر، بگونه‌گلی بمنظور پیشگیری و جلوگیری از انجام فعالیت‌های تروریستی و جنایتکارانه، رویدست گرفته شده است. این مسأله، کاملن تفهیم شده می‌باشد که دول کشورهای منطقه، بصورت یک گل، از سرایت خطرها و تهدیدهایی بویژه پس از فراخواندن نظامیان خارجی از اراضی سرزمین کشور ما، در هر آس بوده و قبل از موقع، در صدد اقدامات تحفظی و امنیتی بمنظور حفظ ثبات و استقرار اوضاع در محدوده اراضی مربوط بخویش می‌باشند. این را می‌دانیم که کشور عزیز ما با کشور تاجیکستان بطول ۱۳۵۷ کیلومتر، با ترکمنستان در امتداد ۸۰۴ کیلومتر و با ازبکستان هم ۱۴۴ کیلومتر دارای مرز مشترک می‌باشد. از لحاظ تاریخی، منطقه آسیای مرکزی همراه با افغانستان مدرن، اغلبن یک گل واحد محسوب می‌گردید، بنابراین بخش مدرن منطقه توسط مرزهای دولتی و در مجموع ذهنیت محلی اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

از پدیده‌های جالب توجه دیگر، یکی هم تحركات بوجود آمده در روسیه پس از شوروی می‌باشد. با گسترش مفهوم اوروآسیایی، بحث و مقابله میان بخش‌های مختلف جامعه افغانی، در مورد محور جغرافیایی تاریخ، در مورد سرزمین اصلی و همچنان درباره مرکز سرزمین اصلی در قلمرو و اراضی بسیاری از کشورها مورد بحث قرار می‌گیرد. حالت و شرایط پسین در تاریخ بشریت، سبب پیدایش نوع خاص دید ژئوپولیتیکی گردیده است. با این حال، اگر به جزئیات موضوع بپردازیم، در زمینه، تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که "جغرافیای سیاسی" سرزمین اصلی، بوضوح کامل نشاندهنده واقعیت‌های گوناگونی طی نیم سده پسین کشور ما، از جمله این واقعیت می‌باشد که قدرت‌های نظامی خارجی بدلیل موقعیت ژئوپولیتیکی کشور ما و همچنان بدلیل جذابیت موجودیت ذخایر غنی طبیعی، کشور عزیز ما را با همه هست و بودش با خاک یکسان نموده و باگرد و غبار جنگ، تجاوز، آدمکشی و... برواقعیت‌ها و افتخارات و دانسته‌های تاریخی و فرهنگی ما سایه افکندند. در مقطع تاریخی وضعیت منحصربفرد

کشور عزیز ما، فضایی مسلط گردید و بگونه ای بتاريخ ۲۶ ماه سرطان سال ۱۳۵۲، در نتیجه کودتای نظامی بر رهبری محمد داؤد، سلطنت چهل ساله محمد ظاهر سقوط نموده و اساسات نوع حاکمیت جمهوری در کشور بنیاد گذاشته شد. اما از همان آغاز سرنوشتی سیستم سلطنتی در کشور ما، وضعیت نا آرام، شکننده و توأم بازد و خوردهای نظامی در سراسر کشور مستولی گردید. بنابراین، پوتا نسلی تقابل و رویارویی نه تنها که کاهش نپذیرفت، بلکه بیش از پیش سیر صعودی پیمود.

اینک پس از ۱۸ سال، موجودیت نیرومند و باشاخ و پنجه ایالات متحده در اراضی کشور ما، کارشناسان امریکایی، در نهایت امر، باین واقعیت گردن نهادند که اصلن نمی توانند از آنچه در افغانستان رخ میدهد، سردر بیاورند. خبر بکارگیری از منابع بیشتر و بیشتری در مورد، مطرح می باشد و آیا راه و چاره دیگری سراغ می گردد؟ آنها بوضاحت افاده می نمایند که بیشترین معضله و مشکل، صرف و تنها در مجموعه "طالب"ها، با اصل ایدئولوژی، مذهب و سیاست خلاصه می گردد. همه مسایل گفته آمده مهم پنداشته می شوند، اما فقط و فقط، دلایل مقنع و مبتنی برواقعیت های موجود کشور باید در مورد، مطرح بحث قرار داده شود. عمده ترین مسایل و کلی ترین واقعیت ها در کشور، شکل و ماهیت پیچیده ای بخود اختیار نموده که بگونه گلی، در ضعف حاکمیت مرکزی کشور خلاصه می گردد. تقسیم جامعه به جزایر مختلف و اختلافات و ضد و نقیض گویی های داخلی جامعه افغانی، از جمله در مورد تشخیص مسیر عصری سازی و ایجاد ساختار های بنیادی در کشور بمنظور رهبری سیاسی جامعه و ایجاد ساختار های اقتصادی و دیموگرافیکی، هر کدام بنوبه خویش، بخش های ترکیبی معضله کنونی کشور ما را تشکیل می دهند. جنبه آخری، بویژه پدیده ایست که با خصوصیات جنگ ها وزد و خوردهای سال های پسین و مداخلات خارجی ها در امور داخلی کشور ما ارتباط مستقیم دارد. تناقضهای کسربودجه و نبود تعادل تجارت خارجی، هزینه های نظامی - همه ی اینها با کمک های خارجی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. اعاشه و اباطه تمامی نیروهای امنیتی و دفاعی کشور با کمک های ایالات متحده صورت می گیرد. کمک های ایالات متحده در ارتقای ستانداردها بمفهوم محدود کلمه، اثر گذار واقع گردید، اما بمفهوم وسیع کلمه، جوابگوی ضرورت ها بمنظور منظور رفع احتیاجات موجود در کشور محسوب نمی گردد. اگر بگونه مثال، روزی دونالد ترامپ این پرسش را مطرح نماید که تا چه زمانی بدون در نظر داشت اینهمه هزینه ها و تلفات انسانی در باطلاق افغانی (که توسط خودشان ایجاد و ابداع گردید)، مقادیر هنگفت مالی مالیه دهندهای امریکایی را در بخش امور نظامی و "اعمار مجدد افغانستان" اختصاص داده و در عوض، تابوت های نظامیان کشته شده را به خانواده های شان تحویل دهیم، پاسخی نخواهد شنید. شخص دونالد ترامپ همچنان ادامه داده افزود که اما بدون ارائه کمکها و معاونت های یادشده، دولت کنونی افغانستان بگفته نامبرده، "در عمق نابودی سقوط خواهد نمود."

اما، در کنار مسایل گفته آمده، نباید فراموش نمود که در کشور ما، اصل اندیشه انقلاب "بالقوه اسلامی" و "جهاد"، سنتیزه جویان بیشماری را گرد هم آورده، سازماندهی نموده و از نظر ایدئولوژیک بآنها انگیزه می دهند.

چگونگی وضعیت دیموگرافیک در کشور ما مشکلات و موانع بزرگی را سر راه پیشبرد مؤفانده امور مالی و بازار کار یالی ایجاد می نماید. بمنظور حل و فصل معضلات دیموگرافیکی کشور، سالانه بگونه اوسط، باید حداقل ۴۰۰ هزار شغل جدید ایجاد گردد که در شرایط کنونی، امکانات عملی آن اصلن وجود ندارد.

دست اندر کاران امور مربوط به کشور عزیز ما معتقدند که در سرزمین و اراضی افغانستان، مراکز و قراگاهای جدید "داعش" ایجاد گردیده و این سلسله همچنان ادامه دارد که می توان از این رهگذر از تهدید هایی علیه روسیه و کشورهای آسیای میانه یاد آوری بعمل آورد. همچنان از افزایش و گسترش خطرات فراط گرایی به تمامی کشورهای همجوار افغانستان که در برگیرنده هند، ایران، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان می باشد، نمی توان چشم پوشی نمود. عملیات نظامی و جنگی ایالات متحده از آغاز سال ۲۰۰۱ بمنظور مبارزه علیه سازمان درون مرزی "القاعده" در کشور ما که بر "طالب"ها تسلط کامل داشتند، براه انداخته شد. اما پس از ۱۸ سال هجوم ایالات متحده به سرزمین کشور ما، نه تنها گروه یادشده تار و مار نگردید، بلکه بیش از پیش، ساحه عملکردهایشان وسعت حاصل نموده و به فعالیت های تخریبی و انجام اعمال تروریستی شان افزایش قابل ملاحظه ای بعمل آمده و انگیزه اشغال سبب گردید تا جنگجویان بیشتری به صفوف گروه های تروریستی جلب و جذب گردیده و به کوره جنگ و انسان سوزی در کشور هیزم ریختانده شده و گروهها و دسته بندی های رنگارنگ تروریستی یا ایجاد گردیده و یا از سرزمین های دور و نزدیک به کشور ما انتقال داده شده و نقل مکان نمودند. همچنان، سازمان های تروریستی با ایجاد مراکز شان در خارج از محدوده کشور ما نیز همت گماشتند تا با استفاده از چنین وضعیتی، برنامه های خرابکارانه و تروریستی شان را با خاطر جمعی طرح و در اجرای عملی آن چه در داخل سرزمین کشور ما و چه در مناطق اطراف آن اقدام نمایند. اما در اینمورد، عامل انتقال تروریزم به جهت ها و خط السیر های مختلف و گوناگون را باید تشخیص داد.

همچنان بخاطر باید داشت که مسأله پناهندگان و اصل پناهندگی در جامعه افغانی به مشکل و معضل منحصر بفردی مبدل گردیده است. در داخل قلمرو کشور، بدلیل عدم امنیت و تداوم زد و خوردها در بسیاری از مناطق، انتقال اجباری اهالی کشور از یک محل به محل دیگر بویژه به مناطق شهری با هزینه های بالاتر و کمبود مشاغل، در نوع خود، مشکلات عدیده ای را ببار می آورد.

نباید فراموش نمود که دشواری های عصری سازی کشور، دقیقن با چگونگی عملکردهای دولت مرکزی ارتباط مستقیم دارد. کشورما نظربه عوامل مختلف، یکی از جمله کشورهای فقیری که به بحر و آب های آزاد نیز دسترسی ندارد، محسوب می گردد. اما دخالت های پیهم خارجی ها درامور داخلی کشورما، بویژه طی پنجاه سال پسین، اصل وابستگی مزمن افغانستان را به کمک های خارجی سبب گردید. بگونه مثال، با خروج بخشی از نیروهای نظامی خارجی از اراضی متعلق به کشورما طی سال ۲۰۱۵ (در حدود صد هزار نفر)، افت شدید اقتصادی در کشور بیار آمد. چنین مبرهن گردید که بیشترین بخش های خدماتی مربوط به قوت های نظامی خارجی در کشورما بود. بدین ترتیب، رشد واقعی عواید سرانه کشوری طی سال ۲۰۱۵ به یک درصد رسید. رشد یاد شده در جریان سال ۲۰۱۶ به ۲،۲ درصد و در سال ۲۰۱۷ به ۲،۷ درصد ارتقا نمود. اما در عین حال، در سال ۲۰۱۶ در عرصه ارتقای صنعتی شاهد رشد منفی ۱،۹- درصدی بودیم. عواید بودجوی کشوری طی سال ۲۰۱۷ در حدود ۲،۲۷۶ میلیارد و هزینه ها مبلغ ۵،۳۲۸ میلیارد دالربالغ گردید.

بگمان اغلب، همه در این خصوص متفق الرأی اند که عامل بین المللی در وجود تروریسم وارد شده در کشورما، بگونه کلی در چندین جهت در سیر و حرکت می باشد. باین مفهوم که سازمان های بین المللی تروریستی موجود در کشورما می توان بدو بخش از هم مجزا نمود. یک بخش دربرگیرنده آن سازمان های تروریستی بوده که در کشورما از مراکز و پایگاههایی برخوردار بوده و با استفاده از منابع موجود در کشور، مصروف انجام فعالیت های تروریستی حتا خارج از قلمرو کشورما نیز می باشند. بخش دیگر آن عبارت از آن سازمان های تروریستی می باشد که از مراکز در خارج از محدوده کشورما برخوردار بوده و مصروف و مشغول طراحی و تطبیق برنامه های تروریسم بین المللی علیه حاکمیت مرکزی کشور و در عین زمان علیه کشورها و دول شاغل در افغانستان می باشند. در نتیجه، از الگوهای عجیب تر تروریسم داخل مرزی در منطقه کار گرفته می شود. بگونه نمونه از گسیل قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده طی سال ۲۰۰۱ با افغانستان یادآور می شویم که در نتیجه آن حاکمیت "طالب" ها سقوط داده شد. پس از تحمیل شکست بر "طالب" ها، جنگجویان گروه نامبرده در مناطق قبایلی و در بخش هایی از وزیرستان شمالی و جنوبی متعلق به پاکستان مخفی شدند.

در مناطق متذکره به تحرکاتی بمنظور تشکیل "القاعده" و تحریک "طالب" های پاکستان، مبادرت بعمل آمد. "طالب" ها همچنان به مبارزه شان با امریکایی ها در افغانستان ادامه دادند. دولت پاکستان نتوانست حتا با انجام عملیات نظامی، نظارتش را بر مناطق قبایلی تأمین نماید. در نتیجه، بخشی از منطقه مربوط مرزی کشورما و پاکستان، تحت حاکمیت "طالب" ها قرار گرفت. در نهایت، با موجودیت سازمان های بین المللی تروریستی که در اراضی کشورما فعال می باشند، در کنار آنکه برخی برنامه ها بی درمورد مناطق قبایلی و در نگرش گسترده تر، در مورد پاکستان مطرح بحث می باشد، مسأله حاکمیت اسلام در مناطق متذکره و حتا در تمامی شبه قاره هند نیز مطمح نظری باشد که در گام نخست، خود بمثابه تهدیدی علیه هند محسوب می گردد، تهدید یاد شده از جانب حلقهات تروریستی موجود در کشورما پشتیبانی شده تا در نتیجه، تروریسم بین المللی و اقماران در محدوده هند دست اندر کار شده و در نهایت امر، ایالت های جمو و کشمیر از بدنه هند مجزا، یا جز سرزمین پاکستان گردیده و یا در آنها "دولت اسلامی" حاکم گردد.

بخاطر باید داشت که تروریسم محدود به افغانستان نه تنها روسیه، بلکه بخش هایی از ایالت سینکیانگ چین را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد. خطر دیگری که در این مورد مطرح است، تشدید اختلافات میان اهل سنت و طرفداران اهل تشییع در کشورما می باشد. نباید فراموش نمود که دستگاه استخباراتی "قدس" ایران در مورد یاد شده، بیش از دیگران، تأثیرگذار می باشد. سپاه نامبرده طی سال روان، توسط ایالات متحده، شامل فهرست تروریستان گردید. در شرایط و وضعیت کنونی، سپاه قدس به پشتیبانی همه جانبه "طالب" ها در کشورما بدلیل تداوم مبارزه علیه امریکایی ها مبادرت ورزیده و در این مسیر، بیش از هر زمان دیگری تلاش می نماید. اما با بر سر کار آمدن بنیادگراها در کشور، مناسبات و ارتباط ها ممکن بگونه بنیادی دستخوش دگرگونی و تغییر گردد. همچنان نباید فراموش نمود که فعالیت ها و عملکردهای دسته بندی های تروریستی فراملتی در کشورما بگونه کلی دارای روحیه و نبض ضد شیعی وارد میدان گردیده اند. چرا از این واقعیت طفره می روند که با پیروزی تشددگراها در افغانستان، تفرقه های مذهبی بیش از پیش تشدید گردیده و حتا سبب ساز بر خوردهایی با سلسله کشورهای همجوار خواهد گردید.

در شرایط کنونی، شبکه های بین المللی تروریستی با مرکزیت شبکه "جیش العدل" در پاکستان و با استفاده از اراضی کشورما فعالیت ها و اقداماتی را علیه شیعه های ایران انجام می دهند.

درفرجام و بمثابه حسن اختتام، باید یادآور شد که در حال حاضر، تروریسم و اقدامات تروریستی در کشورما، یکی از جمله جنجالی ترین مسایل امنیت داخلی و خارجی محسوب می گردد. اما مهمتر از همه، "انقلاب اسلامی" و "جهاد اسلامی" در افغانستان بخودی خود به پوتانسیل میلیون ها جوان جنگجو مبدل گردیده است. هرگونه نگرانی های امریکایی ها در قبال صلح یا "خروج" و یا بهر دادن منابع هنگفت مادی در توطئه های افغانی براه انداخته شده توسط ایالات متحده، زنجیره زد و خوردهای جامعه مارا

تداوم بخشیده و تهدیدهای بالقوه ای را برای تمامی کشورهای همجوار و حتا در ساحه وسیعی از منطقه ما ببار خواهد آورد. مطابق تعریفی که وزارت امور خارجه ایالات متحده از گروه‌های تروریستی ارائه نموده، شامل حال "طالب"ها که در شرایط کنونی مصروف انجام مذاکرات با جانب ایالات متحده می باشند و همچنان در برگیرنده سازمان ها و دسته بندی های ذیل که در اراضی کشور ما دارای مراکز و پایگاههایی می باشند، نیز می گردد:

- ۱- "القاعده" که از ایدئولوژی پان اسلامیزم و وهابیزم پیروی می نماید؛
- ۲- اتحاد جهاد اسلامی که هدف آنرا سرنگونی دولت ازبکستان تشکیل می دهد. دسته بندی یادشده، از مؤثریت و تأثیرگذاری در مناطق شمال شرقی کشور ما از جمله در پکتیا، پکتیکا و ننگرهار، برخوردار می باشد؛
- ۳- جنبش اسلامی ازبکستان که بمنظور از میان برداشتن حکومت های آسیای میانه و ایجاد دولت های اسلامی با مرکزیت فرغانه، در اراضی کشورهای نامبرده مبارزه می نماید. جنبش یادشده، بیشتر از همه، در شمال کشور و در مناطق هم مرز با پاکستان و همچنان در بدخشان حضور گسترده و فعالی داشته و کمپ هایی را بمنظور تربیه و آموزش جنگجویان نیز ایجاد نموده است که یک بخش آن از "داعش" پشتیبانی نموده و بخش دیگر آن در زد و بند و ارتباط نزدیک با "طالب"ها نفس می کشد و حیات بسر می برد؛
- ۴- "دولت اسلامی عراق، شام و خراسان" که پایه گذاری و استقرار خلافت اسلامی را در سرزمین ها و اراضی متعلق به افغانستان، پاکستان و بخشی از اراضی آسیای میانه، هدف خویش تعیین نموده و در مجموع، ضد شیعه می باشند که در مربوطات ولایت ننگرهار و در امتداد مرز افغانستان - پاکستان و همچنان در ولایت های کنر، لغمان و جوزجان مصروف فعالیت می باشند؛
- ۵- "تحریک طالبان پاکستان" که هدف آن حذف قوت های نظامی پاکستان از مناطق خود مختار قبایلی، سرنگونی و سقوط حکومت پاکستان و استقرار حاکمیت شریعت در امتداد مرز های افغانستان - پاکستان می باشد؛
- ۶- "القاعده شبه قاره هند"، هدف آن تشکیل و ایجاد خلافت اسلامی در اراضی متعلق به شبه قاره هند که در برگیرنده اتحاد و وحدت مسلمان های اراضی هند، سریلانکا، پاکستان و بنگله دیش بوده و در مناطق شرقی و جنوبی کشور ما حضور فعال دارند؛
- ۷- "شبکه حقانی" که خواهان استقرار حاکمیت "طالبانی" و ایجاد خلافت اسلامی بر بنیاد ایدئولوژی سلفی آنها در سراسر افغانستان و پاکستان بوده که در ولایت های کابل، پکتیا و خوست فعال می باشند؛
- ۸- "حرکت الجهاد الاسلامی"، مخالف هند بوده و هدف آن استقرار شریعت در افغانستان می باشد. حرکت متذکره در تمامی بخش های مربوط به کشور عزیز ما فعال بوده و از مراکز و پایگاههایی در پاکستان و بنگله دیش نیز برخوردار می باشد؛
- ۹- حرکت المجاهدین که در سرزمین کشور ما مستقر بوده و هدف آن عبارت از وحدت و یگانگی کشمیر و پاکستان و ایجاد دولت اسلامی در کشمیر بوده و در مناطق شرقی کشور ما از کمپ های آموزشی نظامی نیز برخوردار می باشد؛
- ۱۰- سپاه "قدس" ایران که بمنظور پخش و گسترش انقلاب اسلامی جد و جهد نموده، بر بخش های شیعه نشین کشور ما از مؤثریت لازم برخوردار بوده، از قوت های ضد دولتی افغانستان پشتیبانی بعمل آورده و خروج امریکایی ها از افغانستان را نیز خواها ن می باشند؛
- ۱۱- "جیش محمد" که از "طالب"ها در افغانستان پشتیبانی بعمل آورده هدف آنها را وحدت پاکستان با جمو و کشمیر تشکیل داده و در بخش هایی از مربوطات ولایت های شرقی کشور ما موجود می باشند؛
- ۱۲- "جیش العدل"، سازمان و دسته بندی سلفی که با پشتیبانی و حمایت پاکستان در ولایت سیستان و بلوچستان فعال می باشد. سازمان جدایی طلب بلوچستان که از افغانستان، حملاتی را علیه شیعه های ایران سازماندهی و اجرا می نماید؛
- ۱۳- "لشکر جنگوی" که هدف آنرا ایجاد دولت اسلامی در پاکستان تشکیل می دهد. آنها در ولایت ها و مناطق شرقی کشور ما فعال بوده و مسؤولیت اداره و رهبری اردوگاهای آموزشی در امتداد مرز های افغانستان - پاکستان را نیز بر عهده داشته و همچنان از مؤثریت و تأثیرگذاری لازم در بخش هایی از رهبری حکومت فدرال در مناطق قبایلی نیز برخوردار می باشند؛
- ۱۴- "لشکر طیبیه" که هدف آنرا تسخیر منطقه جمو و کشمیر متعلق به هند و ترتیب اثر دادن به قیام مسلمان های کشور اخیر الذکر تشکیل می دهد. گروه متذکره از بازگشت حاکمیت "طالب"ها در افغانستان نیز پشتیبانی بعمل آورده و اردوگاهای آموزشی جنگجویان را اداره نموده و تحت نظارت خویش قرار داده اند.